

وقف در اسلام



«مال و فرزندان زینت حیات دنیاست (و لیکن) اعمال صالح که قیامت باقی است نزد پروردگار بسی بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 «مَالٌ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً» (سوره ی کهف، آیه ی 46)

«مال و فرزندان زینت حیات دنیاست (و لیکن) اعمال صالح که قیامت باقی است نزد پروردگار بسی بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.»

زندگی دنیوی، فانی و محکوم به فناست و محکم ترین ساختمان ها و قوی ترین انسان ها رو به نابودی هستند و با استناد به آیه شریفه و آیات دیگری نظیر 76 سوره مریم، 96 سوره نحل آنچه که باقی است و اثرات آن از بعد مادی در زندگی عینی با دوام تر بوده و از لحاظ زندگی حقیقی (اخروی) ابدی و فناپذیر است اعمال صالح و ارزشمندی چون «باقیات صالحات»؛ و یا با اصطلاح دیگر، وقف (1) و ایقاف است و لذا اگر بتوان انسان های مصلح را با انجام اعمال صالح با خداوند متعال و ذات پاک او که ابدیست، پیوند داد رنگ جاودانگی به خود می گیرد. آیات شریفه مورد اشاره به ما تذکر می دهد که بیائید سرمایه های وجود خود را از آسیب پذیری و نابودی و فنا شدن نجات دهید و در صندوق پس اندازی ذخیره کنید که دست چپاولگر ایام به محتویاتش نمی رسد و سپری شدن شبیانه روزها آن را به نیستی سوق نمی دهد، بیائید سرمایه های خود را در راه خدا و خلق خدا و جلب رضای خالق به کار اندازید تا مصداق (عندالله) گردد و باقی و برقرار شود. چنانچه مولای متقیان علی بن ابیطالب (علیه السلام) می فرماید «بسیار تفاوت دارد عملی که لذتش از میان می رود و مسئولیتش باقی می ماند با عملی که درد و رنجش می رود و اجر آن باقی است.»

خداوند متعال می فرماید:

«مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره ی نحل، آیه ی 96)

«آنچه نزد شماست همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست تا ابد باقی خواهد بود و البته اجری که به صابران بدهیم اجری است بسیار بهتر از عملی که به جا آورند.»

معنی لغوی وقف یعنی «ایستادن»؛ «توقف کردن»؛ «درنگ در کلام»؛ «نگهداشتن چیزی»؛ و مفهوم فقهی و حقوقی وقف یعنی حبس عین ملک یا مال و مصرف منافع آن در اموری که واقف معین می کند. وقف عقدی است لازم و رجوع از آن مقدور نیست و قبض در وقف شرط صحت و تحقق است وقف یکی از 52 باب فقهی دین مبین اسلام است و لذا باید تحت کنترل و نظارت حاکم شرع و نمایندگان ولایت فقیه انجام گیرد.

در توصیف وقف می توان گفت: عملی است صالح و باقی و مصداق روشنی است از تعاون و تعاضد، اتفاقی است عاری از منت و احسانی است خالی از اذیت و به دور از تحقیر شخصیت دیگران، تصدقی است دائمی مستمر و بی ربا، وامی است بدون اضطراب بازپرداخت، تعدیل ثروتی است با رضا و رغبت که از این طریق با کثر اموال و تکاثر و همچنین بروز اختلافات طبقاتی فاحش مبارزه می شود.

اصطلاحات مربوط به وقف؛ «وقف» مفاهیم و اصطلاحات مختلفی مطرح شده است که برخی از آنها را به اختصار توضیح می دهیم.

واقف: کسی است که عمل وقف را با توجه به شرایط آن انجام می دهد.

انواع وقف: وقف عام- وقف خاص

وقف عام: به موقوفه های اطلاق می شود که مصرف عمومی دارد و به تعبیر دیگر، ابعاد مختلفی از امور اجتماعی را مد نظر قرار می دهد نظیر آنچه که در رابطه با ایتم، نیازمندان، عزاداریها، راهسازیها، ساخت مساجد و زاویه ها و... هزینه می شود.

«وقف خاص»؛ که مال یا ملک به افراد خاصی وقف می شود. «وقف نامه»؛ سند معتبری است که بیانگر مشخصات وقف، محل مصرف آن، شرایط اداره امور وقف و نظایر آن است.

متولی: یعنی کسی که از سوی واقف به عنوان امین که آگاه به امور شرعی باشد تعیین می شود تا امور مربوط به موضوع وقف را عهده دار شود. چون متولی در این موارد از طرف شخص واقف تعیین می شود او را «متوالی منصوبی» می گویند.

در مواردی که از سوی واقف، متولی تعیین نشده باشد، پس از فوت او، سازمان اوقاف به وسیله هیأت امناء، عهده دار این مسئولیت می شود که آن را «متولی متصرفی» گویند؛ ناظر:

کسی است که مسئولیت نظارت بر عملکرد متولی را بر عهده دارد. «ناظر استصوابی» کسی است که از سوی واقف برای نظارت بر امور وقف انتخاب می شود و کلیه برنامه های مربوط به وقف با تصویب او انجام می شود و این امر در سند وقف نیز قید می گردد. «ناظر اطلاعی» کسی است که از سوی واقف جهت نظارت تعیین می شود و وظیفه او صرفاً اطلاع از جریان امور است و در جهت انجام امور مربوط به وقف نیاز به تصویب و موافقت او نیست. درآمدهای حاصله از موقوفات را موقوف علیهم گویند و بر دو نوع است:

1- «جهت»؛ یعنی درآمدی که برای عمران و آبادی اماکن و مدارس و مساجد و نظایر آن هزینه می شود. جنبه سرمایه گذاری و عمرانی دارد.

2- «عنوان»؛ یعنی عایدات حاصل از موقوفات که در جهت کمک به فقرا و ایتام، تعلیم تربیت و عزاداری و غیره صرف می شود که جنبه معرفی دارد.

جمع «رقبه»؛ و معنی لغوی آن، بنده، غلام، گردن بند، حق مالکیت نسبت به زمین می باشد و مفهوم آن عبارت از هر نوع ملک و واحد وقفی اعم از منقول و غیرمنقول که در اختیار فرد یا افراد قرار می گیرد تا از آن بهره مند شوند و عواید آن را در زمینه تعیین شده به وسیله واقف، هزینه کنند.

تاریخ وقف؛ در روایت از امام ششم، نخستین وقف نامه مربوط به دخت گرامی پیامبر گرامی اسلام حضرت زهرا (علیها السلام) است که فرمود: «این چیزی است که فاطمه بنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) وصیت کرده است، حوائط هفت گانه را به علی بن ابی طالب (علیه السلام) و بعد به حسن (علیه السلام) و بعد به حسین و بعد از او به فرزندانش...»

در نقل از منابع اسلامی، باغ هایی که هم اکنون در مدینه بنام باغ صبا و باغ مرجان معروف است از موقوفات حضرت امام حسن و به قولی دیگر، امام سجاد (علیه السلام) است.

در روایت آمده است که رسول اکرم «فیئتی» را تقسیم فرمودند و زمینی از این بابت به حضرت علی (علیه السلام) رسید حضرت در آن زمین چاهی زدند که آب قابل توجهی جاری شد، حضرت فرمود: «این زمین، صدقه قطعی است»؛ برای حجاج بیت الله الحرام و این سبیل، فروخته نمی شود، بخشیده نمی شود و به ارث نمی رسد، هر کس آن را بفروشد و یا ببخشد لعنت خدا بر او (بن سلمان، 1358، ص 16).

اعمال شبیه وقف در اجتماعات بشری به ویژه ادیان الهی وجود داشته است که آثاری از آن در معابد به دست آمده است. با طلوع خورشید اسلام، پدیده وقف به عنوان یک حرکت عظیم و ارزشمند از سوی رسول الله و خاندان عصمت و طهارت شروع شده و رواج یافت تا کمبودهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام مرتفع گردد. اصحاب رسول الله و یاران خاندان نبوت در این مهم نیز پیرو آن بزرگوار بودند ولی درگیری های امویان و عباسیان بر سر حکومت غصب شده و اغتشاشاتی که ایران را فراگرفت، موجب شد که مردم رغبت چندانی به وقف (به دلیل بی اعتمادی به حکومت های غاصب) از خود نشان ندهند.

در زمان عباسیان با وجود افرادی نظیر خواجه نظام الملک، وقف رونق گرفت و بنا به روایتی سالانه صدها هزار دینار پول رایج درآمد موقوفات مربوط به مدارس نظامی بوده است که تنها شصت هزار دینار آن متعلق به مدرسه نظام بغداد بود.

در قرن های پنجم و ششم هجری قمری وقف رواج بیشتری یافت و سلطان سنجر در فرمانی همه متولیان اوقاف را ملزم به پیروی از احکام ولایات نمود و به ضرورت نظارت حاکم در مصرف عوائد موقوفات و نحوه اداره صحیح آن تأکید کرد و برای متصدیان اوقاف شرح وظیفه ای تدوین شد. در این دوره (سلجوقیان)، دیوان اوقاف یکی از تشکیلات حکومتی بوده و نظارت بر آن به «قاضی عسگر» منصوب از سوی سلطان محول می شد. (2)

در قرن هفتم با حمله مغول به ایران و انقراض عباسیان، نفوذ ایرانیان در دربار مغول، مسلمان شدن غازان خان و گذاشتن نام محمد بر خویشان و به وزارت رسیدن خواجه رشیدالدین فضل اله، موقوفات رونق فزونی یافت و مراکز علمی و رفاهی نظیر رصدخانه ها، مدارس، بیمارستان ها، کتابخانه ها و... به موارد وقف اضافه شد. در عصر صفویه، وقف توسعه بیشتری یافت و سلاطین، بیشترین املاک متعلق به خود را به آستانه مقدس امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیه السلام) وقف نمودند. در همین دوران، اداره امور اوقاف به مستوفی (وزیر) مخصوص واگذار شد و همه مستوفیان و متصدیان و متولیان ملزم شدند محاسبات خود را به دفتر موقوفات تسلیم کنند.

تسلط نادرشاه بر ایران، ضربه ی سختی به پیکر نورانی وقف وارد ساخت، او ضمن ضبط موقوفات، درآمدهای حاصله از آن را صرف لشگریان خود کرد و با فرمان نامشروع موجب شد که مقدار قابل توجهی از موقوفات جزء املاک خالصه به ثبت برسد و به همین دلیل بسیاری از مردم، وقفنامه ها را پنهان کردند که حاصل آن مجهول ماندن بسیاری از وقف نامه ها شد. غارت اصفهان به وسیله افغانه ضربه دیگری بود که بر وقف و موقوفات وارد آورد با مرگ نادر، جانشین وی فرمان لغو مالکیت شخصی بر موقوفات را صادر کرد.

در زمان قاجار وضعیت وقف و ایقاف مختصری بهبود یافت، با استقرار مشروطه «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» تشکیل شد و سپس در وزارت فرهنگ، واحدی به نام «اداره کل اوقاف»؛ امور مربوط به

وقف را عهده دار شد.

در سال 1313 هجری قانون اوقاف مشتمل بر 10 ماده و در سال 1324 نظامنامه اوقاف تصویب شد و در سال 1343 سازمان اوقاف به عنوان یکی از واحدهای تابعه نخست وزیری، جانشین اداره کل اوقاف شد. و بالاخره در تاریخ 2/10/1363 قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به تصویب رسید که به موجب این قانون، سازمان اوقاف و سازمان حج و زیارت در همدیگر ادغام و به عنوان یکی از سازمان های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین شد و آئین نامه اجرائی سازمان جدید در مورخه 10/2/1365 به تصویب هیأت دولت رسید و بالاخره مهرماه سال جاری (1370) مجدداً با تصویب مجلس شورای اسلامی، سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به دو سازمان تحت عناوین سازمان حج و زیارت، سازمان اوقاف و امور خیریه تفکیک شد.

لازم به ذکر است که در عهد پهلوی، مجدداً یورش به موقوفات و تصرف عین یا منفعت آنها آغاز شد و میزان قابل توجهی از اراضی و املاک وقفی به نام وابستگان، دربار به ثبت رسید یا فروخته شد با پیروزی انقلاب اسلامی در این زمینه نیز حرکت هایی شروع شد که ادامه آن می تواند کمک شایان توجهی به اهداف عالی وقف نماید. به قول رهبر فقید انقلاب اسلامی «اگر تبلیغات دولت رایج شود، خواهید دید که از همین نذر و وصیت و وقف چه خدمت هایی به کشور و توده می شود و بی شک نیمی از اداره کشور را این گونه چیزها می چرخاند.» (کشف الاسرار، ص 278). اهمیت وقف:

در بیان اهمیت وقف بهترین کلام، روایات و احادیث ائمه معصومین است که به چند نمونه اکتفا می کنیم. امام ششم: آنچه پس از مرگ برای انسان مفید است سه چیز است، صدقه جاریه ای که در زندگی خویش برقرار سازد و تا پس از مرگ او همچنان ادامه داشته باشد ملکی را وقف کند، رسم و روش خوبی در اجتماع رواج دهد که حتی پس از مرگ وی هم به آن عمل نمائی. (امامی، 1355، ص 182). رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «چون فرزند آدم مُرد از همه کارهای دنیا بریده جز از سه چیز صدقه ای مستمر و پیوسته (وقف)، دانشی که دیگران از آن بهره مند شوند فرزند درستکار و شایسته ای که برایش دعا کند.» (ابوزهره، 1358، ص 260).

باز هم امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «شش چیز است که پس از مرگ مسلمانان در آخرت به او ملحق خواهند شد کتابی که کسی از خود به یادگار گذاشته و آثار علمی اوست درختی که غرس کند و بعداً دیگران از آن بهره مند شوند، چاهی که حفر نماید تا مردم از آن استفاده کنند و اثر نیکی که بعد از او نیز جریان داشته باشد، رسم خوبی که بعداً رایج شود.» (امامی، 1355، ص 182).

با استناد به این روایات است که عنوان زیبای «خدمات اجتماعی جاوید» بر روی عمل صالح وقف گذاشته می شود و لذا سازمان وقف از شاهکارهای تعاون و برنامه های اجتماعی اسلام است که در کمتر تمدنی به این وسعت و اهمیت می توان به خدمتی اجتماعی، انسانی نظیر آن دست یافت، وقف به استناد آیه 97 نحل، عامل پیوند انسان با زندگانی جاودانی بوده و عامل مؤثر و پشتوانه تداوم نهضت خونین کربلا و تمامی حرکت های رهائی بخش تشیع در طول تاریخ است وقف همان عمل صالحی است که اگر هر مرد یا زنی موفق به انجام آن شود ضمن برداشتن مؤثرترین قدم در رفع محرومیت ها و پریشانی ها، به یقین به رحمت و اسعه الهی خواهد رسید. مصارف وقف:

با بهره گیری از منابع مختلف، مصارف وقف به اختصار به شرح زیر بیان می شود:

- 1- تعلیم و تربیت رایگان، از قبیل احداث مدارس، کتابخانه ها و قرائت خانه ها، تأمین هزینه های مؤسسات آموزشی و فرهنگی از محل درآمد موقوفات، کمک به امور تحصیلی فرزندان محرومین و مستضعفین و نظایر آن.
- 2- معالجه و درمان بیماران، نظیر احداث مراکز بهداشتی و درمانی و آسایشگاه معلولین و تأمین هزینه های مؤسسات مربوطه.

- 3- احداث مراکز علمی و تحقیقاتی و یا تأمین بودجه های آنها نظیر دانشگاه ها.

- 4- کمک به زوار و مسافران از طریق ایجاد پناهگاه های بین راه، مسافرخانه ها و...

- 5- حمایت از فقرا و مساکین و ایتم به طرق مختلف.

- 6- آب و آبیاری نظیر تأمین آب مشروب یا آب مراتع کشاورزی از طریق احداث چاه عمیق و لوله کشی و ایجاد آب انبار و... احکام مربوط به وقف:

احکام ویژه ای در رابطه با عمل وقف وجود دارد که می توان به منابع مختلف از جمله رساله عملیه مراجعه کرد. ما به دلیل اهمیت موضوع به چهار نکته اشاره می کنیم.

- 1- اگر کسی چیزی را وقف کرد از مالکیت او خارج می شود و لذا او و سایرین نمی توانند آن را ببخشند، بفروشند و یا در آن دخل و تصرف کنند مگر این که در شرایط وقف، مواردی تعیین شده باشد.

- 2- وقف از طریق ارث به وارث نمی رسد.

- 3- در هیچ شرایطی و با هیچ گونه بهانه ای نمی توان موقوفات را تعطیل و امور آن را معطل کرد.

- 4- واقف باید مکلف، عاقل، با قصد و نیت (قرب الهی)، و مختار باشد و شرعاً بتواند در مال خود تصرف نماید که این صفات را «صفات واقف» نامند.

وقف و جامعه:

زمانی که برق نبود، وقف روغن چراغ برای معابر و اماکن عمومی خدمت ارزشمندی محسوب می شد، موقعی که سفر و مسافرت، مشکلات فراوانی داشت، بهترین خدمت ایجاد پناهگاه ها و کاروانسراهای بین راه بود، در ایامی که اثری از

لوله کشی آب نبود ایجاد آب انبار بزرگترین خدمت محسوب می شد و اینک که عصر صنعت و پیشرفت و تکنولوژی است، باز هم عمل وقف با صورت های نوین خود یکی از منابع غنی خدمات اجتماعی به شمار می رود. احداث درمانگاه ها و بیمارستان ها، مساجد و حسینیه ها، مدارس و کتابخانه ها، ورزشگاه ها و مراکز فرهنگی و تبلیغی، پل ها و راه ها و... همه از خدمات اجتماعی جاویدی است که سالیان دراز ثمرات و اثرات مادی و معنوی آن دیگران و نیز بانیان آن را بهره مند می سازد. در ایران اسلامی، از زمان های بسیار دور و در پیروی از مکتب متعالی اسلام و سنت رسول الله و روش زندگی فردی و اجتماعی ائمه معصومین، امت مسلمان، همیشه در این مهم پیشقدم بوده اند و با ارزش ترین و خالص ترین صدقات مستمر را برای تأمین نیازهای جامعه تقدیم داشته اند که هزاران وقف نامه بهترین نشانه آن است.

مسئله ای که بسیار اهمیت دارد آگاه ساختن مردم از زمینه های زیر است و این مسئولیت بیشتر متوجه سازمان اوقاف و روحانیون، روشنفکران و رسانه های همگانی است.

اولاً: اهمیت وقف و اثر آن در زندگی دنیوی انسان ها و زندگی اخروی واقف.

ثانیاً: توجه به نیازهای ضروری تر جامعه و یا به قول دیگر، توجه به اولویت ها.

امروزه با بیداری امت به پا خواسته، مراکز عظیم پژوهشی و تحقیقاتی را می توان از محل موقوفات بنا کرد و کمک های مختلفی را متوجه محققین و پژوهشگران و طلاب نمود که با خلاقیت ها و اختراعات و ابتکارات آنها خودکفائی در ابعاد مختلف خود تحقق یابد. امروزه می توان از محل موقوفات مشکل بی سواد را که عده قابل توجهی از مردم ما از آن رنج می برند با تدابیر اصولی و انقلابی ریشه کن ساخت و کمبود فضا و امکانات آموزش را به حداقل رسانید.

امروزه از طریق موقوفات می توان افشار نیازمند جامعه، به ویژه ایتم، بی سرپرستان، فقرا و مساکین را تحت حمایت گرفت و آتش فقر و مسکنت را از خانواده های تهی دست و آبرومند دور ساخت و گدائی و گداپروزی را از بنیان انداخت.

امروزه از طریق وقف می توان مسائل طلاب و دانشجویان به ویژه کمبود شدید مجتمع های مسکونی و خوابگاه های دانشجویی و... را مرتفع ساخت امروزه با عمل به این حرکت ارزشمند می توان بسیاری از معضلات اجتماعی را رفع کرد و جامعه را به مرزهای سلامت و امنیت رسانید تا بدین طریق هیچ انسانی به دلیل موانع دنیوی از فلاح و رستگاری به عنوان هدف نهائی خلقت انسان باز نماند.

پی نوشت ها:

Piousfoundat 1-

2- برای مطالعه بیشتر به کتاب مقدمه ای بر فرهنگ وقف از انتشارات سازمان اوقاف، تألیف ابوسعید احمدبن سلمان

مراجعه شود.

منبع مقاله:

زاهدی اصل، محمد؛ (1387)، مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ

دوم

نویسنده: محمد زاهدی اصل